

### دست آخر

در سالمرگ ماریو بارگاس یوسا

## تاریخ ناتمام



**شیمابه‌رمند**

«آمریکا به جنگ سستم‌گرانی خردپیا و بی‌مقدار خواهد افتاد». سی‌مون بولیوار در سال ۱۸۲۰ چند ماه پیش از مرگش در حالی که بیمار و سرخورده بود، آینده آمریکا را چنین پیش‌بینی کرد. وصفِ پدیده خودکامگی حکمرانان و همدستی با استعمار از دیرباز در ادبیات اسپانیایی، خاصه در ادبیات آمریکای لاتین به شکل سنت داستان‌نویسی درآمده است. چنان‌که ایگناسیو رامونه در مقالهٔ «ماریو بارگاس یوسا، نویسنده‌های استثنایی» می‌نویسد، اِچه‌وریا، نویسنده آرژانتینی این سنت را با نوشتن «کشاکش» در سال ۱۸۲۰ آغاز کرد که تصویری از زندگی خوآن مانوئل روسا، فرمانروای خودکامه آرژانتینی به دست می‌داد. در سال ۱۹۶۷ که کارلوس فونتنسین مکزیک و ماریو بارگاس یوسای پرویی، تصادفاً در لندن دیدار کردند، بحث‌شان بی‌دنبی کرد به دیکتاتوری‌هایی کشید که به تعبیر رامونه «مثل قارچ در آمریکای لاتین سبز شده بودند». اما برای این دو غول ادبی، مسئله این بود که ادبیات چگونه می‌تواند با این واقعیت‌ها در افتاده و آنها را برعلا کند. بنابراین این فکر به خاطرشان رسید که از رمان‌نویسان بخواهند هرکدام درمورد یکی از این دیکتاتورها بنویسند و به این ترتیب بود که برخی نویسندگان آمریکای لاتین دست‌به‌کار شدند و سه شاهکار خلق کردند: «توسل به شیوه» کارپائتیه، «منم، بالاترین» رواباستوس و «بایز پدرسالار» مارکز و البته رمانی مهم از مانوئل واسکز موتالیان به نام «منم فرانکو». خود یوسا نیز در ۱۹۷۵ به فکر نوشتن رمانی درباره آخرین روزهای دیکتاتور، دومینیگن افتاد و شاهکار «سور بز» را خلق کرد. یوسا بیست‌ویج سال تمام وقایع رمان را در ذهنش حک و اصلاح می‌کرد؛ به قول خودش «نوشتن سور بز به‌خاطر آنکه ناگزیر بوده جنایت‌ها، شقاوت‌ها و نامردمی‌های بسیاری را زنده کند. برایش خیلی گران تمام شد». بیست‌ویج سال تمام، تفکر درباره رمانی که به تعبیر رامونه، مایهٔ اصلی آن «خشونت در زندگی سیاسی» بود، و بیراه نبود که این خشونت به «مرگ در آند» نیز سرایت کرد. یوسا به‌واسطه تجربیاتی که در مواجهه با دیکتاتوری و استعمار و نوشتن از خشونت داشت، به این باور رسید که «در حکومت‌های تمامیت‌خواه، بی‌طرف بودن یا حتی بی‌اعتنا بودن ناممکن است. باید شریک جرم باشی یا قهرمان». یوسا برای شهادت تاریخی خود، ناگزیر در رمان‌هایش به حقیقت دیکتاتوری حیات دوباره می‌بخشد. به‌زعم رامونه «حقیقت یک دیکتاتوری تشریح آن لحظه‌هایی است که تجزیه می‌شوند و از هم می‌پاشند، نمایش خیره‌کننده‌ای از دنیای پشت قدرت؛ دنیای ترس‌ها، تحقیرها، بغض‌ها، کینه‌ها، رقابت‌های پنهانی، دسیسه‌چینی‌ها و نفخ‌پرستی‌های فراوان»؛ وقتی خشونت و جنگ هرگونه اصول اخلاقی را منتفی کرده و حتی نوعی رزای مشروعیت می‌پوشاند. یوسا از این کم فراتر می‌رود و نشان می‌دهد در چنین موقعیتی‌هایی چگونه خشونت و استیصال در کِنه وجود مردمان جامعه نفوذ می‌کند و آنها را منجمد کرده، از حرکت باز می‌دارد. یوسا با آن سر گذراندن این تجربیات به این باور می‌رسد که «اگر ادبیات مسئولیت گذشته خود (بازگشت به تعهد و بازگردن چشم انسان و افشای حقایق جهان پیرامون از راه واژه و خیال‌پردازی) را در زمان حاضر ادامه



ندهد، جلوگیری از جنگ‌ها، قتل‌ها، نسل‌کشی‌ها، درگیری‌های قومی، جابه‌جایی پناهنندگان و حرکت‌های تروریستی و تهدیدات روزافزون آن، دشوارتر می‌شود و شوق به جهان صلح‌آمیز و هم‌زیستی در دموکراسی را در هم می‌شکند». از این قرار، از دید یوسا اولین فوریت، برانگیختن وجدان‌های آگاه است برای صلح اقدام کنند و اگر این حرکت شکست بخورد به فاجعه‌های عظیم منجر می‌شود که همانا تکرار چرخهٔ کشتار و خشونت است؛ آنچه جهان پیش‌تر در بوسنی، چین، افغانستان، لبنان، سومالی، رواندا و لیبیا به خود دیده است. آزادی و توقف این چرخهٔ خشونت‌بار از نظر یوسا، دستاوردی گران‌بها است که تنها برای کشورهایی تضمین می‌شود که تعهد به صلح را شناخته و از آن به طرز عملی دفاع می‌کنند. یوسا باور دارد که ادبیات به یمن آزادی نفس می‌کشد، اما این آزادی موهبتی نیست که نازل شده باشد، بلکه «یک انتخاب است، یک اعتقاد است، تمرین و نظریه‌ای است که دائما باید غنی شود و به آزمون در آید». از این است که یوسا دموکراسی را بهترین دفاع ابداع‌شده در مقابل جنگ می‌خواند و به فرضیه کانت ارجاع می‌دهد که امروز بیشتر به حقیقت نزدیک است؛ اینکه تمام جنگ‌ها را رژیم‌های ضد دموکراسی و تمامیت‌خواه راه انداخته‌اند. پس تکلیف روشن است؛ تنها راه برای خاتمهٔ چرخه جنگ و ویرانی و خشونت، ترویج و ارتقای فرهنگ دموکراسی است. دست آخر یوسا با تاکید بر توان ادبیات از والتر بنیامین اهلی قلم زادهٔ برلین سخن می‌گوید که در سال‌های تبعیدش در فرانسه، زمانی که اروپا در آستانهٔ سلطهٔ ارتش نازی بود، با سخت‌جانی و پشنگار به مطالعه و بررسی اشعار بودلر می‌پرداخت و کتابی دراین‌باره می‌نوشت که البته هرگز تمام نشد، با این حال به‌زعم یوسا همین چند فصل به‌جامانده از آن شگفت‌آور است. اما چرا بودلر، آن‌هم در آن روزهای تیره؟ «در گل‌های رنج پاسخ‌های نگران‌کننده‌ای داده می‌شود: درباره زندگی، روح و فکر در تکامل یک فرهنگ شهری، وضعیت فرد و تخلیاتش در جامعهٔ انبوه و غیرفردی، جهتی که ادبیات در جامعه نوین برمی‌گزیند، هنر و روایها و خواست‌های انسان». یوسا معتقد است بنیامین در کنار پوپر که در همان سال‌ها در طرف دیگر دنیا، در تبعیدگاهش نیوزلند، به یادگیری زبان کلاسیک یونان و تفکر در فلسفه افلاطون مشغول بود؛ نمونه‌های درخوری از تاب‌آوری در روزگار سخت هستند که نشان می‌دهند چگونه نوشتن می‌تواند در مقابل سختی‌ها تاب آورده و حتی فعالانه در تاریخ مشارکت می‌کند. یوسا باور داشت کتابی ارزشمند است که به زندگی وارد شود، در آن تداوم یابد و دگرگونش کند و از قضا این قول یوسا مصداق رمان‌های خود او است که می‌کوشد تا امکان زندگی دیگری را رؤیت‌پذیر سازد. یوسا، نویسنده سیاسی و منتقد پرویی برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۱۰، تا آن‌که در شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز پیش رفت، سال گذشته در ۸۹ سالگی از دنیا رفت. یوسا در تمام سالیان زندگی و کار سیاسی، با وجود چرخش‌های فکری‌اش، همواره معتقد بود جامعه دموکرات و آزاد به شهروندان مسئول و منتقد نیاز دارد و برای مقابله با نامطلوبی وضع موجود، پدیده‌های بهتر از ادبیات وجود ندارد و هیچ چیز کارسازتر از ادبیات غنی نیست. ادبیات از این منظر می‌تواند در شکست‌ها و سرخورده‌گی‌هایی که زندگی واقعی به ما تحمیل می‌کند همراه ما باشد و مشکلات را هموار کند. یوسا باور داشت داستان و روایت چیزی بیشتر از یک تمرین است، بیشتر از یک تکلیف روشنفکری که حساسیت را برمی‌انگیزد و روح را منتقاد را بیدار می‌کند؛ با این وصف ادبیات روح ناسازگاری و سرکشی را به ما القا می‌کند، روحی که به کاشش خشونت در جهان کمک می‌کند. یوسا واقع‌بینانه وعده می‌دهد که خوشبختانه تاریخ همیشه تاریخ تمام‌خواه ماند و درست به همین دلیل است که هنوز می‌توانیم رؤیا داشته باشیم.

«سقوط پاریس» نوشته ایلیا ارنبورگ روایتی دوگانه و واقعی از سقوط شهری است که در برابر تجاوز دولت آلمان کوتاه آمده، تسلیم می‌شود. این کار به‌وسیله دولت ویشی فرانسه، مارشال پتن و شرکا که دست‌نشانده آلمان‌ها شده بودند انجام می‌گیرد. پتن بی‌هیچ مقاومتی مجری فرامین دولت آلمان می‌شود، و متأثر از تبلیغات گوبلزوار فاشیستی، فرانسه را در مسیر توسعه‌طلبی فاشیستی جبهه‌متحدین -آلمان، ایتالیا، ژاپن- قرار می‌دهد، اما این همه فرانسه نبود، چون طیف وسیعی از گروه‌های اجتماعی فرانسه تصمیم به مقاومت در برابر متجاوزان می‌گیرند، از جمله هنرمندان آندره از شخصیت‌های رمان «سقوط پاریس» است. او که نقاشی منزوی است که تمایلی به حضور در محافل هنری و اجتماعات ندارد، این بار به‌واسطه جنگ تجاوزکارانه که تمامیت کشورش را تهدید می‌کند، خود را در موقعیتی کاملا متفاوت می‌یابد.

جنگ از جمله مهم‌ترین موقعیت‌هایی است که به مردمی که آن را ناخواسته تجربه می‌کنند شوک می‌دهد، شوکی که تمامی زندگی روزانه آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این موقعیت می‌توان به نام «موقعیت مرزی» نام برد؛ این موقعیت و مواردی مشابه واجد تمامی مضامین اگزیستانسیالیستی است: آن هنگام که هستی آدمی در برابر نیستی قرار می‌گیرد، آدمی در موقعیتی استثنایی قرار می‌گیرد که گاه مانند اتفاقاتی که در «سقوط پاریس» پیش می‌آید ناگزیر به انتخاب می‌شود؛ انتخابی که زندگی او را به‌یکباره دگرگون می‌کند، مانند اتفاقاتی که برای پی‌یر و همسرش آبنس می‌افتد. از این انتخاب نهایی می‌توانیم به انتخابی میان «یا این یا آن» نام ببریم، بسیاری از اگزیستانسیالیست‌ها من‌جمله سارتر چنین انتخابی را انتخاب میان اسارت یا آزادی نام می‌دهند. منظور از آزادی، نوع دیگری از آزادی است.

سارتر در توصیف چنین آزادی‌هایی آن را به وقایع اشغال فرانسه نسبت می‌دهد و در عجیب‌ترین عبارت اگزیستانسیالیستی می‌نویسد «هرگز ما چنان آزاد نبودیم که در دوران اشغال آلمانی‌ها». منظور سارتر از آزادی، به معنای متداول و رایج آن نیست، بلکه انتخاب میان «بودن» یا «شدن» و «اسارت» یا «آزادی». است. نوعی آزادی که می‌بایستی دالما تجدید شود، از آن نوع که می‌توان به آن «آزادی قسطنی» گفت که قسط آن هر بار با فداکاری و پافشاری و احساس مسئولیت پرداخت می‌شود، مثل زمان اشغال فرانسه که مردمان فرانسه می‌بایست به‌ناگزیر میان همکاری با دشمن اشغالگر و مقاومت یکی را انتخاب می‌کردند و دقیقاً در پی چنین انتخابی است که اخلاق و تعهد به معنای واقعی آن مطرح می‌شود، که اگر تعهد به امری کنار گذاشته شود، این می‌تواند به معنای تعهد به امر دیگری باشد. در این شرایط سوزنه انتخابگر پیامدهای چنین انتخابی را در زندگی و ذهن خود تجربه می‌کند. در این شرایط راه وسط یا بی‌موضع‌بودن تعهد به آلمان‌هاست، زیرا بی‌موضع‌بودن واجد هیچ معنایی نخواهد بود، اما لاقال از نظر سارتر این تمامی ماجرا نیست، زیرا در عین حال

## هستی‌شناسی ایران

«سرزمین قابل فروکاسته شدن به مکان تنها نیست، حاوی زمان است: کشورهایی با زمان دَهگانی یا صدگانی هستند. ایران اما تمدنی هزارگانی است». مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس، از نوعی پدیدارشناسی در ایران سخن می‌گوید که تفسیری عمیق از کائنات داشته و در دل تاریکی، به صبح امید و روشنی باور داشت. به گزارش «اینا» این جامعه‌شناس در یادداشتی از چهار سطح زمان ایرانی چنین نوشت: «کوتاه‌ترین سطح زمان ایران، زمان رخدادی است. تحولات خوب و بد بسیار و ازجمله تهاجمات در این سطح از زمان ایران روی می‌داد. گاه بسیار وحشیانه و مهیب بودند. اما ایران همچنان ادامه داشت، چرا؟ چون هستی ایران در سطح دیگر زمان خویش جاری بود؛ دومین لایه زمان این فلات، که زمان ادواری بود و پویا بود، دوره به دوره در تحول بود. مشروطه نبود و ایران بود. سلطنت پایان یافت و ایران همچنان ادامه داشت. سومین سطح زمان ایران، زمان دورانی است. ایران در دوران پیش از اسلام، ایران بود، بعد از اسلام نیز همچنان اصرار داشت ایران بماند. ایران با انواع ملت‌ها و فرهنگ‌ها در دادوستد بود و همواره ایران بود.

ایران از دوران قدیم به دوران جدید منتقل شد، باز ایران بود. چهارمین سطح زمان ایرانی زمان وجودی بود. در این لایه زیرین هستی فلات بود که داستان ایران و اسطوره‌ها و استعاره‌ها و ساختارهای عمیق دوام داشت و تخیل ایران و فکر ایرانی باقی بود. نوعی پدیدارشناسی در ایران که تفسیری عمیق از کائنات داشت، در دل تاریکی، صبح امید و روشنی را باور داشت. از باغ و راغ داد و دهش؛ و از بهار، رویش دوباره الهام می‌گرفت. شرارت اهریمنی در عالم می‌دید ولی ایمانش را به حکمت نور و به بنیاد نیکی از دست نمی‌داد. شاعرانگی داشت و صبوری و سازگاری خلایق داشت اما سخت و استوار بود و این چنین ایران بماند، سرای کهن شد و گواهی داد.»

«سقوط پاریس»: انتخاب میان همکاری با دشمن اشغالگر یا مقاومت

# نوعی آزادی قسطنی



سارتر موضوع را فردی نمی‌کند و آن را به «کل» پیوند می‌دهد و انتخاب «این یا آن» را در همان حال فراخوانی می‌داند که فرد به دیگران می‌دهد تا به او ببینند و خود را با انتخاب او همسو کنند تا به آنچه «باید» برسند. آموزه کانتی دقیقاً در همین جا خود را نمایان می‌کند: «… کار من به شرطی اخلاقی خواهد بود که بتواند «کلی» شود، یعنی من بتوانم از دیگران بخواهم که همین کار را انجام دهند.»<sup>۱</sup> این تعهد به «امر کلی» را به‌خصوص در گفت‌وگوهای پی‌یر -دوست قدیمی آندره و از قهرمان رمان «سقوط پاریس»- با همسرش آبنس مشاهده می‌کنیم. آبنس تمامی تلاش خود را می‌کند تا پی‌یر را متقاعد سازد که بی‌خیال جنگ شود تا به‌اتفاق فرزندشان به آمریکا بروند، اما آبنس با پاسخ اخلاقی پی‌یر مواجه می‌شود که این بدبختی یعنی جنگ مربوط به همه است، پس چرا من یکی جان سالم به در ببرم. «در روز حرکتش چیزی مانده بود دعواشان هم بشود. آبنس با چهره‌ای اخم‌گرفته گفته بود: تو خودت خواستی که بروی و او از جا در رفت و گفت: نه این‌طور نیست. این جنگ، جنگ من نیست که من دلم خواسته باشد، اما برای آبنس فرقی نمی‌کرد، جنگ، جنگ بود و در آن خمپاره و گل و لای و خون و مرگ بود… ولی برای پی‌یر واقعیت بود، صدای قدم موزون سربازان احتیاط، طنین دیگری داشت، هیچ‌کس آواز و سرود نمی‌خواند. بر چهره‌ها اطلاعاتی شبیه به فرمانبری محکومان خوانده می‌شد و پی‌یر راه فراری نمی‌دید.»<sup>۲</sup>

اگرچه نگاه اگزیستانسیالیستی فاقد سوبه‌های تاریخی است، چراکه انسان را مجرد می‌بیند و تمامی مناسبات اجتماعی را تنها در رفتار فردی در مواجهه فرد با خود

به جبهه نرفته است، انسانی است که هنوز می‌تواند عشق بورزد، می‌تواند زندگی کند، بنابراین فداکاری او ارزش واقعی دارد.»<sup>۳</sup> اینکمه آدم برای خودکشی به جبهه نرود، بلکه رفتن را خود انتخاب کرده باشد و اینکه مشکل زندگی خود را حل کرده باشد، می‌تواند او را در هیئت یک انسان آزاد و به‌نوعی رها ارتقا دهد. قهرمانی که خود را اگرچه نه پیروز -زیرا ممکن است با سختی‌ها و تبعات جنگ مواجه شود- اما لاقال بازنده تلقی نمی‌کند. «…زیرا این امر بستگی به عواملی دارد که غالباً از دایره قدرت قهرمان داستان بیرون است، مهم این است که قهرمان ما چگونه با دشواری‌ها روبه‌رو می‌شود و اگر شکست می‌خورد این شکست را چگونه تحمل می‌کند.»<sup>۴</sup> نیچه در جمله‌ای تماماً اگزیستانسیالیستی می‌گوید «هیچ واقعه‌ای به‌خودی‌خود مهم نیست، حتی واقعه‌ای در حد ناپودی تمام کائنات. اما آنچه واقعه را مهم می‌کند در وهله اول مربوط به کسانی است که آن را به انجام رساندند و همین‌طور مربوط به کسانی است که آن را از سر می‌گذراندند». قهرمان‌های از نوع شخصیت‌های همینگوی از جمله کسانی هستند که واقعه‌های را ولو مهم در حد جنگی خانمان‌سوز از سر می‌گذرانند.

اینکه ارنبورگ در «سقوط پاریس» و همینگوی و به‌طورکلی بخشی از نویسندگان آن نسل مسئله‌ای را فردی تلقی می‌کرده‌اند از شخصیت‌های داستانی آنان چیزی کم نمی‌کند. قهرمانانی این چنین ضمن دفاع از موقعیت خود در برابر ضربات زندگی مقاوم بوده‌اند، آنان اگرچه مسائل شخصی‌شان را خود حل می‌کرده‌اند، اما به‌رغم این نوع قهرمانی‌ها به نظر می‌رسد مواردی مانند جنگ و هر شوک مهم دیگری تنها آنگاه می‌تواند اهمیتی درخرو پیدا کند که نته‌تها به آدمی الهام بخشد و او را ارتقا دهد، بلکه آن دیگری یعنی تاریخ را نیز با خود همسو کند.

#### پی‌نوشت‌ها:

• مطرح‌شدن اگزیستانسیالیسم به‌ویژه در بجه‌وجه جنگ جهانی دوم را می‌توان به رابطه‌ای تنگاتنگ میان اگزیستانسیالیسم با موقعیت مرزی از جمله جنگ در نظر آورد. به نظر می‌رسد اگزیستانسیالیسم اساساً در مواجهه با چنین موقعیت‌هایی بروز پیدا می‌کند، زیرا بنیان اگزیستانسیالیسم بر این عقیده است که موقعیت انسانی در لحظات ترس و اضطراب آشکار می‌شود. ایده بسیاری از روشنفکران و نویسندگان آن دهه‌ها مانند سارتر، کامو، دوگار، مارلو و… ناشی از درک چنین موقعیت‌هایی بوده که آنها تجربه کرده‌اند.

- «سارتر که می‌نوشت»، بابک احمدی
- «سقوط پاریس» ایلیا ارنبورگ، ترجمه محمد قاضی
- ۴، ویژه‌نامه همینگوی «نگاه نو»، نجف دریابندری

## آگهی فراخوان مناقسه عمومی دو مرحله ای

**شماره MS04/71 تحت عنوان**

## پروژه حفاظت الکترونیگ مجموعه انبار سوله شماره ۲

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) سازند در نظر دارد خدمات موضوع صدراالاشاره را از طریق مناقسه عمومی دو مرحله ای مطابق اسناد مناقسه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. شرکت های متقاضی می توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر و شرایط شرکت در مناقسه به سایت اینترنتی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) سازند به آدرس **WWW.IKORC.IR** مراجعه نمایند.

**-۱ موضوع مناقسه :**

**(الف شرح مختصر:**

ردیف	شماره مناقسه	موضوع مناقسه	مدت	مبلغ تضمین شرکت در مناقسه (ریال)
۱	MS04/71	<b>پروژه حفاظت الکترونیگ مجموعه انبار سوله شماره ۲</b>	<b>۶ ماه شمسی</b>	<b>۱,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰</b>

**(ب) تضمین مورد قبول شامل :** ضمانتنامه بانکی / اوریژ وجه نقد / چک تضمینی / چک بین بانکی .

**(ج) شرکت در رد ی قبول هر یک یا تمام پیشنهاد ها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.**

**(د) متقاضیان بایستی دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری و صلاحیت ایمنی معتبر از مراجع ذیربط باشند.**

**(ه) شرکت های متقاضی می بایست در فهرست پیمانکاران حفاظت الکترونیگ سازمان حراست صنعت نفت باشند.**

**۵- اشخاص حقوقی واجد شرایط می توانند ، جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی بر اساس تاریخ های مندرج شرح ذیل به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه و پس از دریافت اسناد و مطالعه آن ، مستندات ارزیابی کیفی مورد نظر را در قالب یک فایل با نام موضوع مناقسه در قالب لوح فشرده و در مهلت مقرر به آدرس مندرج در ذیل آگهی فراخوان تحویل و یا ارسال نمایند. بدیهی است پیشنهاد هایی که با شرایط مندرج در فراخوان اختلاف داشته باشند و یا بعد از مهلت مقرر در متن فراخوان ارسال گردند ترتیب اثر داده نخواهد شد. ضمنا پس از مراحل ارزیابی کیفی متقاضیان ، از شرکت های واجد شرایط تایید شده جهت ادامه فرآیند مناقسه دعوت به عمل خواهد آمد.**

**۳- مهلت ارسال تقاضا و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی:**

**۳-۱- مهلت ارسال تقاضا و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی :** از روز دوشنبه مورخ ۱۳۴/۰۵/۱۴ لغایت روز دوشنبه مورخ ۱۳۴/۰۵/۱۴

**۳-۲- آخرین مهلت ارسال اسناد استعلام ارزیابی کیفی:** روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۴

**۳-۳- تاریخ گشایش پاکت اسناد مناقسه متعاقبا اعلام می گردد.**

**۴) نام و نشانی دستگاه مناقسه گزاز:** شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)سازند واقع در استان مرکزی- اراک- کیلومتر ۲۰جاده بروجرد- ساختمان مرکزی-طبقه سوم- امور پیمانها- شماره تلفن ۰۸۶-۲۳۴۹۱۰۹۸- شماره نمابرها ۰۸۶-۳۴۱۶۶۰۸۴

**روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)سازند**